

شخصیت خاص. تصاویر موجود در مجموعه‌ی نسخ خطی که توسط رشیدالدین گردآوری شده و در کتابخانه‌ی موسسه مطالعات شرقی دانشگاه علوم ازبکستان نگهداری می‌شوند از این جمله‌اند (نسخه خطی شماره ۱۶۳۰). در این تصاویر خان و همسرش در کنار هم نشان داده شده‌اند. تصاویر اکتای و هلاکو از آن رو به هم شبیه‌اند که سیمای عمومی مغولان و جامه‌های خان را نشان می‌دهند و تنها تفاوت را می‌توان در پوشش سر آنها دید. تصاویر همسرانشان نیز که ملبس به لباس بلند و تاج زنگی شکل بر سر دارند کاملاً مشابه یکدیگراند.

در دست نوشته‌های مربوط به دوره‌ی تیموریان، به ویژه دوره‌ی تیمور، نقش، سبک، کمرنگ‌تر شده و تصویر شخصیت‌های خاص تاریخی در مینیاتورها دیده می‌شوند.

به گفته شرف الدین علی یزدی، صاحب ظفرنامه، که در آن به پیروزی‌های تیمور می‌پردازد و در زمان حکومت شاهرخ گردآوری شده است، در باغ دلگشا واقع در کاخ تیموری سمرقند، تصاویری وجود داشته‌اند که تیمور، اعضاء خانواده و امیرانش را نشان می‌دادند. تصاویر مربوط به زمان حیات او، بی‌تردید گویای تصویر واقعی اوست. مینیاتورهای نسخ ظفرنامه، با وجود اینکه بعد از مرگ تیمور کشیده شده‌اند، احتمالاً تصویر او را تا حد ممکن نزدیک به اصل نشان می‌دهند که از طریق تصاویرش در کاخ دلگشا یا حتی مینیاتورهای مفقود شده‌ی زمان او شناخته شده‌اند.

مینیاتورهای قرن ۱۵ که با هدف مصور کردن متون تاریخی کشیده می‌شدند، به نظر می‌رسد سیمای اشخاصی را که به زمان خلق مینیاتور نزدیک بوده‌اند تصویر کرده‌اند. تصاویر موجود در ظفرنامه، که به زندگ تیمور می‌پردازد نیز از این جمله است.

تنها در اواخر قرن ۱۵ و اوائل قرن ۱۶ میلادی است که کشیدن پرتره توسعه می‌یابد، به طوری که فضای تصویر توسط چهره‌ی فردی که نشسته یا ایستاده است، پوشانده می‌شود.

بهزاد، استادی مسلم و احتمالاً بنیانگذار سبک پرتره بود. ظهیرالدین بابر که هنرمندان برجسته‌ی دربار هرات را در زمان سلطان حسین بایقرا معرفی کرده، تأکید می‌کند که «بهزاد از جمله مشهورترین هنرمندان است. بهزاد به ریزه کاری‌های این هنر واقف بود، اما در ترسیم چهره‌هایی بدون ریش چندان موفق نبود، ولی چهره‌های با محاسن را بسیار عالی می‌کشید»^۱

مینیاتورهای چندی از بهزاد که حامی او سلطان حسین را به تصویر می‌کشند به جا مانده است. در مینیاتوری که در حدود سال ۱۴۸۵ م. کشیده شده (موزه تهران)، تصویر سلطان حسین را در حالی که نشسته و گلی در دست دارد، در میان زنان و همسران حرمسرایش نشان می‌دهد: عده‌ای از آنها روی فرش زیبا نشسته‌اند، و عده‌ای در میان باغ گل قدم می‌زنند، شعر می‌خوانند و در میان آنها زنی مطرب با یک چنگ و خدمتکاری که تنگ و جامی را حمل می‌کند دیده می‌شود. قطع کوچک نقاشی فقط اجازه پی بردن به خطوط کلی چهره را می‌دهد.

پرتره‌ی سلطان حسین که در اواخر قرن پانزدهم توسط بهزاد کشیده شده، تصویر کاملی از این شخصیت را ارائه می‌دهد. در مینیاتوری او را در حالی که چهار زانو است و یکی از دستانش را روی زانو گذاشته و دست دیگرش در مقام بیان و استدلال است، نشان می‌دهد. او قبایب طلادوزی شده و کمربندی که با پلاک‌های طلایی آراسته شده بر تن دارد و کلاهی زیبا و مزین بر سر گذاشته است. ریش کوتاه، چشمان کمی خسته، دهانی کوچک و سبیلی آویخته دارد. در مینیاتور دیگری در حالی که او سوار بر اسب است ویژگی‌های مشابهی را ارائه می‌دهد (موزه هنرهای زیبای بوستون)

تصویر او وقار و متانت را بدون تأکید بر شان و جایگاهش نشان می‌دهد. انسانی که ویژگی‌های او با خصوصیات برشمرده شده توسط ظهیرالدین محمد بابر کاملاً همخوانی دارد. تصویر اخیر، او را مردی خوش قیافه، که از

پوشیدن جامه‌های زیبا لذت می‌برد و جنگاوری بی‌باک و بهره‌مند از نعمت خدادادی شعسرای است نشان می‌دهد که در میان شعرا، حکما، هنرمندان و موسیقی دانان قرار دارد. ^۲ بهزاد تصویر کاملاً متفاوتی از شبیانی خان (پس از اینکه هرات را در سال ۱۵۰۵ به تصرف خود درآورد) ارائه می‌دهد. خان از یک قبایب ساده و عاری از هرگونه تزیین به تن دارد. صورتی پهن و ریش آشفته تفاوت قومی او را با سلطان حسین آشکار می‌سازد. تنوع شیوه‌های به‌کارگیری رنگ از مشخصه‌های کار این هنرمند به شمار می‌رود. سلطان حسین جامه نازکی به تن دارد و قبایش در محل سینه و شانه‌ها زری دوزی شده است. شبیانی خان برخلاف فرش قرمز روشنی که روی آن قرار دارد، لباسی ساده به رنگ آبی مایل به خاکستری به تن کرده است. این رنگ‌ها تأکیدی است بر ظاهر با شکوه یکی و ظاهر بی‌تکلف دیگری.

بررسی جامع آثار پرتره‌ی بهزاد، به فرد

امکان شناسایی گرایش‌های کلیدی آن را

می‌دهد. از یک طرف علاقه به

شخصیت‌های واقعی و نشان دادن

خصوصیات فردی آنها با تکنیک‌های

پرتره دیده می‌شود و از طرف دیگر آنها

پرتره‌هایی مربوط به حکام،

اشرف‌زادگان یا روشنفکرانی هستند که

در دربار تیموریان زندگی می‌کردند

در داستانی از محمود زین الدین واصفی نقل شده است، که یکی از جوانان برازنده هرات در زمان سلطنت سلطان حسین ثابت می‌کند که تصاویر بهزاد تا چه اندازه واقع‌گرا بوده‌اند. مرد جوان از زمان خود در هرات می‌گوید، جایی که میر علیشیر نوایی نقش برجسته‌ای در حیات فرهنگی روزگار خود بازی کرد. واصفی در مورد مجلسی که به وسیله نوایی برگزار شده بود می‌نویسد: «شهرت و مهارت بهزاد روز به روز و ساعت به ساعت افزون می‌گشت. با هر کار جدید، پیروزی و برتری از پشت حجاب راز آمیز (سرنوشت) آشکار می‌شد». یک بار استاد تصویری به مجلس امیر بزرگ، علیشیر نوایی آورد که تصویر باغ پر گلی را نشان می‌داد با انواع مختلف درختان، پرندگان زیبا و رنگارنگ که بر شاخه‌ها نشسته بودند و نهرهای روان و شکوفه‌هایی که زیبایی‌شان چشم را نوازش می‌داد. علیشیر نشسته و بر عصای خود تکیه داده بود و پیش او طبق‌هایی پر از طلا و نقره و هدایایی که آماده اهدا بودند دیده می‌شد. امیر با دیدن تصویر قلبش پر از شادی شد و بانگ زد: «آفرین» سپس به سوی حاضران برگشت و گفت: پاداش این تصویر زیبا چه می‌تواند باشد؟

مولانا فصیح الدین که مربی علیشیر و یکی از معروف‌ترین افراد در خراسان شمرده می‌شد: «وقتی من این شکوفه‌های زیبا را دیدم، احساس کردم می‌توانم دستم را دراز کنم، یکی از آن‌ها را بچینم و آن را روی دستارم بزنم».

بهباد، تصویرگری

Galina Pugachenkova

ترجمه ساسان نوروززاده چگینی

هنر مینیاتور خاورمیانه



پرتره شایبک خان، ۱۴ x ۱۳ سانتیمتر، موزه متروپولیتن، نیویورک

که به مرور زمان با طرح‌ها، قالب‌ها، و تفسیرهای عینی و ذهنی از تصاویر انسان، و محیط تکامل یافت.

هنر مینیاتور بیشتر مضامین خود را در آثاری چون شاهنامه فردوسی، خمسه‌های نظامی، دهلوی و نوایی می‌یافت. از قرون ۱۳ و ۱۴ م، مینیاتورها بر اساس متون و روایات تاریخی تهیه می‌شدند که خود باعث حضور پررنگ‌تر شخصیت‌های واقعی تاریخی و نیز تکریم دلاوری‌های جنگ و شکوه سلطنت شاهانی بود که این آثار به آنان تقدیم می‌شد. این تصاویر بار دیگر در دوره‌ی مغول و پس از آن نیز، ظاهر شدند. تصاویر تهیه شده از خان‌ها احتمالاً متأثر از نقاشی چینی بوده است. اما اینکه هر تصویری را به خان معینی نسبت بدهیم نادرست خواهد بود زیرا این تصاویر معرف یک تیپ بوده‌اند تا یک

با توجه به حرمت تصویرگری در اسلام، این هنر خود را در تزیین بناهای غیرمذهبی، به همراه طرح‌های زینتی عالی، حیوانات واقعی و خیالی (ببر، اژدها، سیمرغ و...) نشان می‌دهد. نقوش حیوانات به ویژه پرندگان و یا حتی انسان به خصوص در قرون (۱۴ ۱۷ م.) در هنرهای کاربردی قرون وسطا دیده می‌شوند. با اینکه تصویرگری، به ویژه در قرون ۱۴ تا ۱۶ م. توسعه فراوان یافت، ولی این موضوع در کتاب‌ها و طرح‌هایی که مضامین دینی دارند به چشم نمی‌خورد.

علاوه بر متون داستانی و تاریخی-ادبی، تصویرگری در گستره‌ی وسیعی در کتاب‌های آموزشی و نیز در آثار ادبی، تاریخی و افسانه‌ای به کار گرفته شد. موضوعات فوق، طرح‌ها و ایده‌های غنی و گسترده‌ها در اختیار هنرمند قرار داد



در زمان بهزاد نوع خاصی از پرتره رواج می‌یابد که در آن شخصیت‌های زندگی روزمره نمایش داده می‌شوند

هنرمند در مقابل اجرت کار پول می‌پرداختند. گاهی تصویر نجیب‌زاده‌ای از خاندان دشمن نشان داده می‌شود که زندانی شده است. از جمله مینیاتورهایی (یکی از آنها مجموعه موزه هنر Worcester و دیگری از مجموعه Duse) که تصویر دو تن از اشراف را که به ظاهر از نواحی شمالی آسیای مرکزی هستند، نشان می‌دهند. اولی با صورتی پهن، چشمان کوچک بادامی شکل، ریش کم پشت، جامه‌ای با یک کمربند پهن و کلاهی بر سر، که بسیار شبیه یک قرقیز است دیده می‌شود. یوغی به دور گردن و دست پیش بسته شده و تازیانه‌ای در دست راست و خنجر غلاف دار از کمربندش آویخته است. پرتره دیگر نجیب‌زاده‌ای را که زندانی شده با نوعی گردن بند به تصویر می‌کشد. نوشته‌ها از او به عنوان "زندانی مغول" یاد می‌کنند. سیمای او آشکارا ویژگی‌های مغولی را به نمایش می‌گذارد: صورتی پهن، چشمان کوچک کشیده بادامی، ریش کم پشت و سیلی نازک و کلاهی که هنوز هم توسط قرقیزها استفاده می‌شود بر سر گذاشته است.

در کنار پایش تیردانی که به زیبایی با جواهرات تزیین شده و یک کمان دیده می‌شود. چکمه‌های بلند مانند شخصیت قبلی اما با رنگی متفاوت به پا کرده است.

پرتره زنان بسیار نادر است. یکی از آنها پرتره یک شاهزاده خانم است (مجموعه کارتیه). آیا این تصویر به چهره‌ی اصلی نزدیک است؟ بر عکس به نظر می‌رسد تصویری است شاعرانه از ماه رویی با ابروانی کماتی و چشمانی مملو از احساس و دهانی کوچک. او با جامه‌ی گلدار مخصوص بزم بر تن و با کلاه‌ی زیبا و حاشیه‌ای تاج مانند و شاخه گلی در دست دیده می‌شود.

پرتره‌ای از خود بهزاد نیز بر جای مانده است. باور بر این است که این تصویر بین سال‌های ۱۵۱۱ و ۱۵۳۴ کشیده شده باشد (کتابخانه پیلدیز

کنارش یک کمان و پشتش تیردانی پر از تیر دیده می‌شود و با دست راستش جام‌باده‌ای را نگه داشته است. صورتش با چشمان نیم‌بسته نشان داده شده و ریش انبوه تیره‌ای، سیمای او را پوشانده است. نوع صورت، مغولی از یک است. پرتره‌ی پسر بزرگتر سلطان حسین یعنی غریب میرزا که شاعری توانا هم بوده، آشکارا مربوط به بهزاد است. (کتابخانه پیلدیز استانبول) قریب در حالت نشسته نشان داده شده است. پرتره مورد نظر، چهره واقعی مدل خود را نشان می‌دهد: گردنی لاغر با صورتی نحیف و بینی بلند آشکارا دکاوت و حيله‌گری را در سیمای او نشان می‌دهد.

پرتره هاتفی شاعر که توسط بهزاد در ۱۵۱۱-۱۵۲۱ م. کشیده شده (مجموعه‌های الف. ساکیسیان)، مربوط به اقامت کوتاه او در دربار صفوی است. شاعر نشسته است و دست پیش روی زانو و دست راستش در بیان استدلال است. چهره‌ای گویا با ریشی انبوه و سیاه که در لبه‌ها به سپیدی می‌زند. ابروانش در هم (در حالت اخم) و چشمان سیاهش نافذ است.

در زمان بهزاد نوع خاصی از پرتره رواج می‌یابد که در آن شخصیت‌های زندگی روزمره نمایش داده می‌شوند. از چنین نمونه‌هایی می‌توان به مردی با اسبی نحیف اشاره کرد. مردی با محاسن و میمونی بر شانه. او احتمالاً یک پیشگو و دوره گرد است و به نظر می‌رسد این آثار همگی متأثر از زندگی واقعی متأثر باشد.

در مورد برخی از مینیاتورهای پرتره که از قرن ۱۵ و اوایل قرن ۱۶ ناتمام مانده‌اند، می‌توان گفت که بعضی از آنها توسط بهزاد یا دیگر هنرمندان پیرو او کشیده شده‌اند. این موضوع به ما امکان می‌دهد تا از مکتب بهزاد و هم‌عصران و شاگردان او سخن بگوییم. این مکتب را می‌توان در شاخصه‌های فردی خاص شناسایی کرد. مدل‌های چنین تصاویری عمدتاً افرادی از طبقات اجتماعی بالا مانند حاکمان، اعضای خانواده و اطرافیان‌شان بوده‌اند که به



ظاهرا بهزاد تصاویر متعددی
از حامی خود نوایی کار کرد.
اما تنها تصویری که تا به
امروز باقی مانده است توسط
محمود مذهب، که معاصر
نوایی و احیانا شاگرد او بوده،
کشیده شده است

نسخه خطی «خمسه» نظامی، که در سال ۹۰۰ هـ، ۵ ۱۴۹۴ م. تهیه شده (موزه بریتانیا، لندن) مینیاتورهای متعددی را دربر می‌گیرد. بر اساس کتیبه‌هایی که به وسیله جهانگیر امپراتور هند و شاه الدین در قرن ۱۷ به آن اضافه شد، ۱۶ عدد از مینیاتورها به بهزاد تعلق دارند. یکی از آنها مینیاتوری است که اگر چه با شعر اسکندر نظامی متفاوت است، اما بیشتر به داستان اسکندر در میان فرزندان مربوط می‌شود. بر اساس نظر خ. و. ف. سلیمانف، مینیاتور، صحنه‌ی اهدا خمسه از طرف نوایی به جامی را تصویر می‌کند. شاعری که نوایی، به همراه شش شاعر برجسته شرقی دوران قدیم مورد تحسین قرار می‌دهد.

ظاهرا تصویری که در وسط دیده می‌شود، تصویر خود نوایی است و باید ۵۳ سال داشته باشد. در کنارش جامی با ریش سپید تصویر شده است. سیمای نوایی بر تواضع و احترام او بر جامی، تاکید می‌کند.

کتابی به او اهدا شده است. شاعرانی نیز آنها را احاطه کرده با ریش‌های سیاه و یا سپید با جامه‌هایی به رنگ‌های مختلف آنها را احاطه کرده‌اند. برخلاف اندازه‌های کوچک کار، چهره شخصیت‌های بهزاد زمانی که در نمای بزرگ آورده می‌شوند، بسیار گوناگون و قابل تمایز هستند. این تحلیل در هر حال تنها به عنوان یک فرضیه قابل ارزیابی است.

پرتره امیر (موزه هنرهای زیبای بوستون) نیز احتمالا توسط بهزاد کار شده و از لحاظ سبک به پرتره‌ی شبیانی خان بسیار نزدیک است. امیر در مقابل یک درخت پر شکوفه نقش شده است. قبای رنگی روشنی بر تن، دستار سپیدی بر سر، و چکمه‌هایی سواری با پاشنه‌های بلند تیز به پا کرده است. دست چپش روی کمر بند قرار گرفته و خنجر از آن آویخته شده است. در

مولانا صاحب‌دار از درباریان و ندیم علیشیر گفت: «من نیز چنین احساسی داشتم، اما بعد به نظرم رسید که اگر به یکی از گل‌ها برسم، پرندگان پر خواهند کشید».

مولانا برهان که بذله‌گویی توانا و در خراسان شهره بود گفت: «با نگاه به این تصویر من فکر کردم که نباید کلمه‌ای بگویم یا حرکتی بکنم، شاید سرورم امیر خشمگین گردند و روی در هم کشند».

مولانا محمد بدحی یکی از لطیف طبعان هرات و کسی که علیشیر او را بذله‌گو می‌نامید و کسی که به همیشه شاد بودن شناخته می‌شد گفت: «آه مولانا برهان، اگر چنین کاری ناشایسته و بی ادبانه نبود، من آن عصا را از دستان سرورم می‌گرفتم و برای گفتن چنین سخنی بر سرت می‌کوبیدم».

امیر گفت: «این مردان سخنور نیک سخن راندند و گوهر حقیقت را سفتند. اگر مولانا برهان چنین بی ادبی نکرده بود، این طبق‌های طلا و نقره را بر نثارتان بودم. سپس او به بهزاد اسبی با افسار کامل و به هر یک از سخنوران جامه‌های زیبا هدیه داد».

این واقعه جایگاه رئالیسم را در مینیاتورهای آن زمان نشان می‌دهد. شرایط طبیعی تصویر، فقدان پرسپکتیو یا نقاشی سیاه‌قلم به هیچ وجه از قدرت تجسم بخشی آنان نکاسته است. ظاهرا بهزاد تصاویر متعددی از حامی خود نوایی کار کرد. اما تنها تصویری که تا به امروز باقی مانده است توسط محمود مذهب، که معاصر نوایی و احیانا شاگرد او بوده، کشیده شده است. تصویر در آخرین سال‌های زندگی نوایی، در اواخر قرن ۱۵ و اوایل قرن ۱۶، کار شده است و شاعر بزرگ همانند پیرمردی سزاوار حرمت، نشان داده می‌شود: محاسن سپید و پیکری که اندکی بر عصایش خم شده است (آیا این همان کسی نیست که در داستان واصفی از او نام برده شد؟)



چهره سلطان حسین بایقرا منسوب به بهزاد حدود ۹۲۸ هـ.ق.

شخصیت‌های واقعی و نشان دادن خصوصیات فردی آنها با تکنیک‌های پرتره دیده می‌شود و از طرف دیگر آنها پرتره‌هایی ربوط به حکام، اشراف‌زادگان یا روشنفکرانی هستند که در دربار تیموریان زندگی می‌کردند و یا شیبانی‌ها و صفوی‌ها بوده‌اند و هر یک خصایص فردی یگانه‌ای دارند. با این همه پرتره‌ها، فضایی را که لازمه‌ی محیط دربار است منعکس می‌کنند.

استانبول). زمانی که بهزاد از هرات به تبریز رفت در دربار شاه اسماعیل و بعد شاه طهماسب مشغول به کار بود. ویژگی‌های آن دوره را می‌توان در نوع خاصی از کلاه که از ویژگی‌های خاص ایران آن زمان بود مشاهده کرد. هنرمند در حالت ایستاده تصویر شده و تنه‌اش را کمی برگردانده است، کتابی در دست راست و جعبه رنگی در دست چپش دیده می‌شود. خرقه‌ای بلند با رنگی روشن به تن کرده است و پاهایی که به طور غیر طبیعی کوچک هستند از زیر آن نمایانند. با وجود اینکه مینیاتور توسط هنرمندی متوسط (احتمالا از شاگردان استاد) کشیده شده، بازهم ویژگی‌های چهره وی را، با محاسنی کوتاه و پر پشت و نگاهی نافذ نشان می‌دهد.

پی‌نوشت‌ها:

Poliakova, E. L., Rakhimova, Z.
I. Miniatura I literature Votoka.
Tashkent, 2891, I 11. 6-8

.Babur Babur name Translated by
M. salier Tashkent, 1982

.Pugachenkova G. A. Iskustvo Afghanistana.
Moscow, 1963. p221-
.Boldyrev L. N Memuari Zaini al-Din Vasifi,
ka istochnik dija isucheniya kulturnoy
jizni srednej Asii I Khorasane na rubeje
XV and XVIC. // Transactions of the oriental
Department of the state Hermitage Vol II.
Leningrad, 9491

نمونه‌های فوق نشان می‌دهند که نقش بهزاد در توسعه سبک پرتره تا چه اندازه مهم بوده است. قواعد به کار رفته در آثار او در قرون ۱۶ و ۱۷ به وسیله‌ی صفویان (تبریز، قزوین، اصفهان) و در مکتب عثمانی به کار گرفته شده است. در آثار وی شخصیت‌های حقیقی که در صفحه‌های جداگانه کشیده شده‌اند و اشخاص افسانه‌ای که برای کتب مصور خلق شده‌اند هر دو در کنار هم دیده می‌شوند:

تصویر زنی زیبا، یا مردی جوان و خوش سیما یا زوجی عاشق را نشان می‌دهد. استادان این هنر شاخصه‌های فردی اشخاص را حتی در صحنه‌های گروهی، جایی که صورت‌ها بسیار کوچک‌اند، انتقال داده‌اند. بررسی جامع آثار پرتره‌ی بهزاد و هنرمندان دیگر خلاق شیوه او، به فرد امکان شناسایی گرایش‌های کلیدی آن را می‌دهد. از یک طرف علاقه به